

رویکرد ارتباطی در آموزش زبان

کلود ژرمن، ترجمه روح‌اله رحمتیان. تهران: سمت، ۱۳۸۸.

چاپ نخست، ۱۴۰ صفحه.

بررسی شکلی اثر

با توجه به اینکه اثر *رویکرد ارتباطی در آموزش زبان* ترجمه‌ای است از اثر اصلی به زبان فرانسه تحت عنوان *LE POINT SUR L'APPROCHE COMMUNICATIVE EN DIDACTIQUE DES LANGUES*، نقد حاضر ابعاد مختلفی را از ترجمه اثر و نیز اثر اصلی در برمی‌گیرد.

پیش از بررسی مباحث کلی پیرامون اثر، دو نکته قابل تأمل است: اولاً، در قسمت مقدمه مترجم، هیچ توضیحی در مورد نویسنده اثر داده نشده است. با توجه به اینکه کلود ژرمن از متخصصان آموزش زبان مادری و خارجی به شمار می‌آید، بهتر بود آدرس تارنمای نویسنده به همراه توضیحاتی درباره تحقیقات وی آورده می‌شد. در این صورت شاید جملاتی از قبیل «مفیدترین کتاب» در قسمت مقدمه مترجم قابل توجیه بود:

<https://ddl.uqam.ca/corps-professoral/professeurs/8-professeurs/52-claude-germain.html>

ثانیاً، ترجمه حاضر از ویراست دوم اثر -منتشر شده در سال ۱۹۹۳- است. در ویراست دوم نویسنده اثر را با اضافات و تعداد صفحات ۱۲۹ صفحه به چاپ رسانده است. کتاب مذکور اولین بار در سال ۱۹۹۱ با ۱۰۳ صفحه منتشر شده بوده است. در هیچ جای مقدمه مترجم به این نکته اشاره‌ای نشده است.

الف. ابعاد فنی و ظاهری اثر

به لحاظ فنی و ظاهری می‌توان موارد زیر را در نظر گرفت:

• **طرح جلد:** طرح جلد متفاوت از بسیاری از آثار منتشر شده در سازمان سمت است و به دلیل انتخاب رنگ‌ها، شاد به نظر می‌رسد و می‌تواند مرتبط با محتوای کتاب پیرامون رویکرد ارتباطی باشد.

• **حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی:** حروف‌نگاری اثر مناسب است. یکی از نقاط قوت صفحه‌آرایی این اثر این است که در سرصفحه‌های زوج عنوان کتاب و در سرصفحه‌های فرد عنوان فصل آمده است. این امر باعث می‌شود، خواننده کتاب همواره نام فصول را در ذهن داشته باشد.

• **اغلاط تایپی:** در ترجمه حاضر اغلاط چاپی بسیار محدودی مشاهده می‌شود، با این حال می‌توان به دو مورد از آنها اشاره کرد:

- در صفحه ۱۰ خط ۱۷، واژه «متحد» باید به «متحده» تغییر یابد.

- در صفحه ۲۳، خط ۱۹، واژه «داده‌های» باید به «داده‌های» تغییر کند.

• **قواعد نگارشی و ویرایشی:** به طور کلی در این اثر قواعد نگارشی و ویرایشی رعایت شده‌اند، با این حال عدم توجه به برخی از این قواعد موجب ابهام در متن شده است. نکات این بخش را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

✓ **عدم وجود معادل برخی از اصطلاحات به فرانسه و عدم وجود معادل‌های انگلیسی به طور کلی در پاورقی:**

- با توجه به اینکه مترجم محترم در مقدمه آورده است: «تمام محتوای این کتاب برای همه دانشجویان رشته‌های آموزش زبان‌های خارجی در مقطع فوق لیسانس و دکتری و مدرسان و پژوهشگران کاملاً قابل استفاده است»، بهتر بود معادل‌های انگلیسی در پاورقی نیز ارائه می‌شد که اثر، صرفاً خاص دانشجویان رشته فرانسه نشود و دانشجویان سایر رشته‌ها بتوانند از آن بهره کافی ببرند.

- در مورد معادل‌های فرانسه نیز بهتر بود برای صفحات زیر، پاورقی ارائه می‌شد: «گویشوران ایدئال» و «قوم‌شناختی» در صفحه ۱۶، «زبان‌شناسی کلام» و «زبان‌شناسی زبان» در صفحه ۱۹، «توانش دستوری»، «جامعه‌شناختی زبان» و «توانش راهبردی» در صفحه ۳۷، «نیازهای عینی یا بیرونی» و «نیازهای فردی» در صفحه ۴۳، «تداخل یا انتقال منفی» در صفحه ۶۴، «برنامه تصحیح کننده»، «برنامه تولید کننده» و «برنامه تعامل - نمونه» در صفحه ۱۰۲. در صفحه ۱۲۳، نیز بهتر بود

نویسنده یا مترجم محترم تعریف مختصری در پاورقی از اصطلاح «برنامه درسی چندبعدی»، برای روشن شدن بحث ارائه می‌داد. این بحث در کانادا و در نظام تحصیلی توسط استرن و پس از آن توسط لوبلان از دانشگاه اوتاوا مطرح شد. برنامه درسی چندبعدی چهار مؤلفه اصلی را به طور همزمان در برمی‌گیرد: زبان، فرهنگ، ارتباط، اطلاعات زبانی. رجوع شود به صفحه ۷۵، اثر زیر:

Aline Gohard-Radenkovic (2004). *Communiquer en langue étrangère: de compétences culturelles vers des compétences linguistiques*, Berne : Peter Lang.

- در صفحه ۱۰۴، سطر ۴ معادل فرانسه ارائه شده در کروش در بین مطالب فارسی، می‌توانست در پاورقی بیاید؛ در این صورت خوانندگانی که با زبان فرانسه آشنایی ندارند، می‌توانستند به سهولت مطلب را دنبال کنند.

✓ /بهام در جملات: برخی از نمونه‌ها به شرح زیر است:

- در صفحه ۱۰، خط ۷ آمده است: «کتاب با گفتاری در مورد چند عنصر آینده‌نگر و مبتنی بر پیشی گرفتن از رویکرد ارتباطی خاتمه خواهد یافت». جمله در زبان فارسی مبهم است و نیاز به ویرایش و بازنگری دارد.
- صفحه ۱۳، خط ۱۴، «می‌توانستند از آن در آموزش زبان‌های خارجی استفاده بهینه را بنمایند». جمله نیاز به ویرایش دارد.
- صفحه ۲۳، بند اول، جمله مبهم است.
- در صفحه ۴۴ خط ۹ تا آخر بند جمله نیاز به ویرایش مختصری دارد.
- در صفحه ۵۳، خط ۴ کل بند احتیاج به ویرایش دارد.
- شکل ۶ صفحه ۵۶ می‌تواند مطابق اثر اصلی در صفحه ۵۲ بازبینی شود، زیرا این شکل به صورت حاضر، مبهم است.
- صفحه ۶۸، خط ۱۰ جمله نیاز به ویرایش مجدد دارد. جمله اصلی به فرانسه بوده است:

L'hypothèse de l'interlangue arrivait à point en répondant à un besoin pédagogique des enseignants de L2 .

- صفحه ۸۹، خط ۷، جمله «بنابراین، شاید تحولات زبان بیش از هر چیز دیگری در رشد زبان خارجی سهیم باشد». مبهم به نظر می‌رسد.
- صفحه ۱۱۰ خط آخر و صفحه ۱۱۱ بند اول جملات مبهم‌اند و مطابق با جمله اثر اصلی نیستند.
- صفحه ۱۱۰، خط ۳، «در نهایت هالیدی هر نوع دستوری را ...» جمله مبهم به نظر می‌رسد.

✓ استفاده از ساختارها و واژه‌های فارسی مبهم و گاه اشتباه:

- در صفحه ۱۱، خط ۹ «بررسی تجربی ورتی مر و شرر (۱۹۶۴) بر روی ۳۰۰ دانشجو»، جمله در فارسی ایراد دارد. در فارسی «بررسی ... بر روی» گفته نمی‌شود. به جای این ترکیب، می‌شد از «بررسی ...» استفاده کرد.
- در صفحه ۵۲، خط ۱۳، جمله مبهم است: «محتوا را از این جهت «کلی» می‌خوانند که مخاطب آن یک جمعیت بالقوه اکثریت است». این جمله ترجمه‌ای برای جمله le contenu est dit « général » en ce sens qu'il vise un public است. به جای فعل «می‌خوانند» اگر «می‌شمارند» باشد جمله روانتر خواهد بود.
- صفحه ۵۹، خط ۶ واژه «نرمش» می‌تواند با واژه «انعطاف» جایگزین شود.
- صفحه ۹۹، خط ۵، «آوازه این رویکرد را بلند کند»، معادلی برای redorer son blason در صفحه ۹۵ اثر اصلی در نظر گرفته شده است که معادل مناسبی است، اما برای فعل «آوازه» «بلند کردن» استفاده نمی‌شود.
- صفحه ۱۰۰، خط اول واژه «شقه» معادلی برای dilemme در نظر گرفته شده است که چندان مناسب نیست.
- صفحه ۱۰۵، خط ۶، «در یادگیری زبان خارجی تأثیر بگذار» باید به «بر یادگیری زبان خارجی تأثیر بگذار» تغییر یابد.
- صفحه ۲۰، خط ۱۴، «بی‌آنکه صدای افراد بر روی هم بیفتد» می‌توان ترجمه کرد «تداخل صدایی».
- صفحه ۲۳، خط ۱۸ واژه «تدارک ببینند» که معادلی برای élaborer است، می‌توانست «فراهم آوردن/تدوین» ترجمه شود.

✓ استفاده نادرست از علائم نشانه‌گذاری:

- در صفحه ۳۶، در پاورقی «ضمیر، شخصی یا اشاره» ویرگول بعد از ضمیر باید حذف شود.

- در صفحه ۶۴، خط ۱۴، کروش لازم نیست زیرا واژه در متن اصلی واژه a priori وجود داشته است. صفحه ۱۰۱، قواعد به‌کارگیری [زبان] در اثر اصلی صفحه ۹۷ آمده است les règles d'utilisation de la langue، بنابراین استفاده از کروش در اینجا اشتباه است.

- در صفحه ۶۵، خط ۱۲، جای گیومه باید تغییر یابد.

- صفحه ۱۲۱، خط ۴، شماره پاورقی باید بالای کلمه «روال» قرار می‌گرفت.

✓ یکدست نبودن برخی از اصطلاحات و شیوه‌ارائه مطالب در ترجمه:

- صفحه ۴۹، خط ۶ «اجازه شروع کلام» معادلی برای demander la parole ترجمه شده است. در حالی که در خط آخر همین صفحه آمده است «اجازه خواست تا صحبت کند» که معادلی برای redemander la parole بوده است. بنابراین «اجازه شروع کلام» باید به اجازه صحبت کردن تغییر یابد.

- در بعضی موارد نام متدهای آموزشی ترجمه شده است (در صفحه ۲۰)، در بعضی از موارد ترجمه نشده است (صفحه ۱۷). در این مورد لازم است شیوه واحدی اتخاذ شود.

- صفحه ۸۴، خط ۳ و خط ۴ واژه ouvrage collectif یک‌بار معادل «کتاب مشترک» و یک‌بار معادل «کتاب گروهی» ترجمه شده است.

✓ علاوه بر نکات بالا، مواردی نیز وجود دارد که می‌توانند اصلاح شوند:

- صفحه ۱۸، خط ۵، آیا باید به آ-ای-ال-آ و در خط ۷، واژه آیاتفل باید به آی-ای-تی-ای-اف-ال می‌تواند تغییر یابد، چون با کلمات اختصاری متشکل از سرواژه‌ها مواجهیم.

- در صفحه ۳۱، خط ۱۲، واژه «عقیده»، «نظر» و «تردید» باید مطابق اثر اصلی صفحه ۲۷ به صورت جمع تغییر یابد. واژه «عقیده» نیز بهتر است اعتقادات (croyances) ترجمه شود.

- صفحه ۶۸، خط ۱۶ در پاورقی، برای واژه «جهانی» فقط universelle باید ارائه شود.

بررسی محتوای اثر

پیرامون ابعاد محتوایی و ساختاری اثر می‌توان مؤلفه‌های زیر را در نظر گرفت:

الف. روان بودن اثر

ترجمه حاضر به طور کلی روان است. مترجم بسیار امانت‌دار و قائل به متن اصلی بوده است (پاورقی صفحه ۵۵ مبین این امر است)، با این حال این پابندی به اثر اصلی در ترجمه در برخی موارد به روان بودن کتاب لطمه وارد کرده است. در بخش پیشین اشاره‌ای کوتاه به مشکلات مربوط به روان بودن اثر شد، با این حال در این قسمت به تفصیل به این مشکل می‌پردازیم. به طور کلی، مشکلات این بخش را می‌توان به گونه زیر دسته‌بندی کرد:

• ترجمه لفظ به لفظ جملات از فرانسه به فارسی

- صفحه ۲۳، «فراخوان خواهند شد» معادلی برای seront appelés در نظر گرفته شده است که جمله فارسی نیست.
- صفحه ۴۶، خط ۱۱، «مطمئن شو که فردا می‌آیی». این جمله در فارسی به کار نمی‌رود و ترجمه لفظ به لفظی است از جمله assure- toi de venir demain
- در صفحه ۵۰، خط ۵ جمله فارسی نیست هر چند ترجمه دقیقی از فرانسه محسوب می‌شود.
- صفحه ۸۱، خط آخر، جمله «آیا حتی مطلوب به نظر می‌رسد؟» فارسی نیست و باید معادل دیگری پیشنهاد داد.

• در نظر نگرفتن اصطلاحات و بافت جملات

- در صفحه ۹ خط ۲۱ آمده است «هر چند دل‌مشغولی این دو جهت‌گیری کاملاً مکمل یکدیگرند، باز هم به طور محسوسی با همدیگر تفاوت دارند». واژه «مشغله‌های ذهنی» معادلی برای préoccupations بوده است که منظور از این واژه در این بافت idées, pensées, projets dominants است و نه soucis. در نتیجه بهتر بود «تفکر غالب» یا «نظر غالب» ترجمه می‌شد.
- صفحه ۵۲، خط ۱۳، «برای برگشتن به یک سطح آستانه» معادلی برای pour en revenir à un Niveau- Seuil » است. «برای برگشتن به یک سطح آستانه» معادلی برای pour en revenir à یک

- اصطلاح به معنی *reparler d'un sujet* (مجدداً از موضوعی سخن گفتن) است. این اصطلاح به اشتباه ترجمه شده است و باعث ابهام کامل در فهم جمله شده است.
- صفحه ۸۰، خط ۲۱، «تا حدی که» باید ترجمه می‌شد «به گونه‌ای که» زیرا اثر اصلی هم آمده است *de sorte que l'apprenant a peu d'occasions d'être placé dans de véritables conditions d'échanges langagiers.*
- صفحه ۱۰۵، خط ۲۳، «در حالی که در قواعد کاربرد خاص زبان خارجی صرفه‌جویی می‌کنیم» معادلی برای جمله *en faisant l'économie des règles d'emploi propres à la L2*. اصطلاح *faire l'économie de* به معنای *éviter* است، پس در این بافت باید «صرف‌نظر کردن» ترجمه می‌شد.
- صفحه ۱۰۷، «کلام اصلی» معادلی برای *sur le vif* ترجمه شده است، بهتر بود «در بافت واقعی» ترجمه می‌شد.
- صفحه ۱۱۰، خط ۵ «آیا تعجب‌آور نیست که نویسندگان منابع یک سطح آستانه پس از ارائه فهرست نقش‌های زبانی برای تحقیق در زمینه این مکانیسم سامان‌بخش تأخیر نکرده باشند» علاوه بر اینکه جمله طولانی به نظر می‌رسد، فعل «تأخیر نکرده باشند» معادلی برای *ne se soient pas attardés* است. فعل جمله *s'attarder à* است، به معنی تأمل کردن در مورد موضوعی است. ترجمه اشتباه فعل باعث ابهام در جمله شده است.

• فراموش کردن ترجمه بعضی از عبارات

- در صفحه ۱۱ آمده است «(که شامل یک مرحله توضیح دستوری با زبان می‌شود)». جمله نامفهوم است. با مراجعه به اثر اصلی در صفحه ۷ (*comprenant une phase d'explication de la grammaire en L1*) مشخص می‌شود که واژه «زبان اول» در ترجمه جا مانده است. «با زبان» باید به «به زبان اول» تغییر یابد.
- در صفحه ۱۲، خط ۱۸ آمده است: «تأثیر میزان کار آزمایشگاهی بر یادگیری یک زبان خارجی». در اثر اصلی آمده است: *les effets du travail en laboratoire de langue*. جمله باید به صورت تأثیر فعالیت در آزمایشگاه زبان اصلاح شود.

- در صفحه ۶۸، خط ۴، جمله «امروزه محققان اغلب تصور می‌کنند که اجتناب‌پذیر است». این جمله ناقص است. با مراجعه به اثر اصلی، باید گفت که واژه «خطا» در ترجمه فراموش شده است. بنابراین جمله باید به این صورت تغییر یابد: «امروزه محققان اغلب تصور می‌کنند که خطا اجتناب‌پذیر است».

- صفحه ۱۱۴، خط ۱۹ و ۲۰ «به نظر می‌رسد مؤلفه‌های یک رویکرد ارتباطی آن‌طور که کانال و سوین برشمرده‌اند، کاملاً از مجموع مطالب ارائه شده در خصوص این رویکرد باشند». در متن اصلی صفحه ۱۱۱، واژه *découler* بوده است که باید «برگرفته شده باشند»، ترجمه می‌شد.

• توضیحات ناکافی نویسنده یا مترجم

- صفحه ۷۱، خط ۹، «تئوری پردازش اطلاعات» و صفحه ۵۸، اصطلاحات تخصصی «مصادق‌های کرداری یا تعاملی»، «تعیین فرایند»، «منطق وجهی یا فاعلی» نیاز به توضیح دارند.

- در پاورقی صفحه ۱۹ نوشته مترجم آمده است «در اینجا منظور انواع دیگر روش‌های سمعی- بصری است، نه روش یادگیری به صورت یکپارچه». لازم بود اشاره‌ای به نسل‌های مختلف روش سمعی- بصری می‌شد.

- در پاورقی صفحه ۲۰ توضیح مبهم و ناکافی به نظر می‌رسد. «این امر طبیعی است چون در ابتدای یادگیری، زبان‌آموز تا اندازه‌ای ناشنوا تلقی می‌شود». در واقع در اینجا منظور «ناشنوایی آوایی» است. لازم به توضیح است این مفهوم توسط Raymond Renard مطرح شده است. زبان‌آموز به لحاظ آوایی ناشنوا تلقی می‌شود، زیرا آواهای موجود در زبان خارجی را نمی‌تواند به خوبی تشخیص دهد و درک کند.

ب. اصطلاحات تخصصی

در این بخش که به طور خاص مشتمل بر اصطلاحات تخصصی رایج در حوزه آموزش زبان است، نکات زیر قابل تأمل هستند:

• استفاده نادرست از گروه و پراتنز در ترجمه اصطلاحات تخصصی

- در فهرست مطالب، فصل پنجم قسمت ۳، «تکمیل نمودن فاصله خبری [تفاوت اطلاعات دانش زبانی]» ترجمه شده است. در واقع عبارات داخل گیومه معادلی برای «écart d'information à combler» بوده است. در اینجا واژه یک‌بار لفظ به لفظ ترجمه و یک‌بار در گروه واژه مدنظر مترجم آورده شده است. کاربرد گروه در اینجا نادرست است. بهتر بود به جای ترجمه لفظ به لفظ واژه، مستقیماً از معادل داخل گروه استفاده می‌شد.
- در صفحه ۱۰، خط ۲۲، «فقدان جابه‌جایی یا انتقال [به موقعیت واقعی]» معادلی برای absence de transposition ترجمه شده است. استفاده از گروه درست نیست و به نظر می‌رسد مترجم محترم با توجه به اینکه واژه دقیقی برای transposition معادل‌یابی نکرده، از دو واژه مترادف در فارسی به کمک گروه معادلی تقریبی برای این واژه ساخته است.
- در صفحات ۲۸ و ۲۹، با سه معادل برای واژه langage در فرانسه مواجه هستیم: در صفحه ۲۸، خط آخر «زبان [تکلم]»، در صفحه ۲۹، خط ۱، «زبان یا همان [قدرت تکلم]» و در صفحه ۲۹، خط ۱۵، «قدرت تکلم (یا زبان به معنای عام)» آمده است. اولاً در این موارد از گروه و پراتنز استفاده نادرست شده است. ثانیاً، برای یک کلمه واحد چند معادل مختلف ارائه شده است و خواننده در نهایت سردرگم می‌ماند که آیا منظور از قدرت تکلم، توانایی صحبت کردن است یا زبان در معنای عام آن.
- در صفحه ۳۸، واژه cohésion formelle انسجام ظاهری [دستوری] و واژه cohérence logique انسجام منطقی [معنایی] ترجمه شده است که استفاده از گروه‌ها بی‌مورد است.
- در صفحه ۸۶ شکل ۱۰، «فعالیت‌های ارتباطی نقش‌گرا (کاربردی)»، بر اساس مطابقت با اثر اصلی صفحه ۸۱، واژه «کاربردی» توسط مترجم افزوده شده است، در نتیجه کاربرد پراتنز اشتباه است.
- در صفحه ۹۶ خط ۲۴، واژه «تعاملات (کنش‌های متقابل)» معادلی برای interactions در نظر گرفته شده است و افزایش در ترجمه با پراتنز صحیح نیست.

• افزایش در ترجمه عبارات

- در صفحه ۸۷، خط ۱۱، دو واژه «بازیگران [کنشگران]» معادلی برای acteur در نظر گرفته شده است. بهتر بود با توجه به واژگان تخصصی رایج در آموزش زبان، واژه «کنشگران» آورده می‌شد؛ در این صورت از افزایش در ترجمه و استفاده نادرست از گروه نیز جلوگیری می‌شد.
- صفحه ۸۱، خط ۶، واژه «جابه‌جایی یا فرانهمشی» معادلی برای transposition ترجمه شده است که می‌تواند به صورت انتقال نیز ترجمه شود.
- صفحه ۱۱۴، خط ۱۱، واژه «تناسب [روایی، همخوانی]» معادلی برای approprié و واژه «کافی [بسند]» برای waژه adéquat استفاده شده است. پیش از هر چیز باید یادآور شد که واژه تناسب اسم است و صفت محسوب نمی‌شود. مضاف بر اینکه این دو واژه، تمام مفهوم توانش ارتباطی را در بر می‌گیرند و همان‌طور که نویسنده نیز بیان کرده «مهم جلوه می‌نمایند». واژه approprié باید معادلی برای qui convient, qui est juste در نظر گرفته می‌شد و واژه adéquat باید در این بافت معادلی برای bien parfaitement adapté à و یا adapté à son emploi; exactement approprié son objet ترجمه می‌شد. توجه به تفاوت معنایی ظریف (nuance sémantique) این دو کلمه در ترجمه به ویژه در این بند بسیار مهم است، در حالی که این تفاوت معنایی نه تنها در نظر گرفته نشده، بلکه معادل‌های نامناسبی برای این دو واژه آورده شده است. در اینجا نیز استفاده از گروه‌ها در واقع برای افزایش واژه در فرایند ترجمه بوده است که درست نیست.
- در صفحه ۱۱۹، پیچش یا تحریف [بین اصول و اجراها]، معادلی برای des distorsions entre les principes et les faits در صفحه ۱۱۵ اثر اصلی ترجمه شده است. در اینجا با اضافه در ترجمه و استفاده نادرست از گروه مواجهیم، زیرا در اثر اصلی entre les principes et les faits وجود داشته است.

• ترجمه لفظ به لفظ و عدم توجه به سایر معانی واژگان در بافت

- در صفحه ۱۹ خط آخر، آمده است «آنان متوجه فقر مبادلات کلامی روش دیداری- شنیداری می‌شوند». «فقر مبادلات کلامی» معادل pauvreté des échanges

verbaux است. با توجه به معنای فرهنگ لغتی مانند لاروس، *pauvreté* در این بافت به معنی فقر نیست، بلکه باید معادل *chose insignifiante, sans valeur* در نظر گرفته شود که معادل آن می‌تواند در فارسی بی‌ارزش بودن مبادلات کلامی باشد. - صفحه ۲۷، خط آخر «اولین رساله»، معادلی برای *premier essai* بوده است. «رساله» در اینجا معادل مناسبی برای *essai* نیست، زیرا این واژه در فرانسه به معنی *première production de quelqu'un qui débute dans un domaine particulier* یا معادلی برای *tentative* است. دل‌هایمز در سال ۱۹۶۶ در واکنش به چامسکی - ارائه مفاهیم *performance et compétence* - اثری با مشخصات زیر منتشر می‌کند:

Hymes, Dell H. (1966). "Two types of linguistic relativity".

Bright, W. *Sociolinguistics*. The Hague: Mouton. pp. 114-158.

در سال ۱۹۷۲ در اثر دیگری، بحث توانش ارتباطی را به صورت مشروح ارائه می‌دهد:

Hymes, Dell H. (1972). "On communicative competence". In

Pride, J.B.; Holmes, J. *Sociolinguistics: selected readings*.

Harmondsworth: Penguin. pp. 269-293.

- در صفحه ۱۰۶، خط ۶، «اصطلاح ساختگی» معادلی برای *notion controversée* ترجمه شده است که باید مفهوم بحث‌برانگیز ترجمه می‌شد. واژه «اصطلاح ساختگی» در اینجا مفهوم واقعی بودن منابع را زیر سؤال می‌برد و نوعی سوگیری در مقابل این مفهوم محسوب می‌شود. در صورتی که با خواندن اثر اصلی، متوجه می‌شویم که نویسنده چنین برداشتی از واژه *authenticité* نداشته است.

- صفحه ۱۰۷، خط ۲، واژه «فیلم‌نامه» معادلی برای *scénario* (صفحه ۱۰۳ در اثر اصلی) ترجمه شده است. در اینجا منظور از سناریو، *déroulement préétabli d'une action* است که می‌توانست با توجه به صفت «شبیه‌سازی شده»، مکالمه از پیش ساخته شده ترجمه شود.

• خلط مفاهیم در ترجمه

- صفحه ۲۳، خط ۷ آموزشکاوای معادلی برای *pédagogique* ترجمه شده است که این ترجمه مناسب نیست، زیرا آموزشکاوای معادلی برای *didactologie* است و اغلب

pédagogie علم تعلیم و تربیت ترجمه می‌شود. صفحه ۹۳، خط ۴، «علم آموزش» معادلی برای واژه pédagogie در نظر گرفته شده است که واژه دقیقی نیست.

- در صفحه ۳۰ واژه‌های «رشد و توسعه زبانی» معادلی برای développement langagier ترجمه شده است. واژه développement گاهی «توسعه» و گاهی «رشد» ترجمه شده است که در بعضی از موارد صحیح نیستند. صفحه ۶۹ و صفحه ۷۲، واژه «توسعه زبانی» می‌تواند به «واژه رشد» زبانی تغییر یابد. با این حال، واژه «توسعه» در صفحه ۲۱ در معنای مناسب خود به کار رفته است: «توسعه یادگیری زبان‌های [اروپایی]». می‌توان واژه «توسعه» را برای سطح کلان و سیاست‌گذاری زبانی و واژه «رشد» برای سطح فردی در نظر گرفت.

- در صفحه ۴۵، خط ۴ «در زبان انگلیسی، ابزارهای زبان‌شناختی برای بیان دلالت یا مفهوم «بسامد» به چند قید و چند انتخاب فعلی یا کلامی محدود می‌شوند». این جمله معادلی برای جمله فرانسه en langue anglaise, les moyens linguistiques pour exprimer la notion ou le concept de fréquence se limitent à quelques choix verbaux. adverbess et à certains choix verbaux. در اینجا باید به جای «انتخاب کلامی»، انتخاب فعلی گذاشته می‌شود، زیرا در این جمله منظور از بسامد یک عمل بیان تعداد دفعات انجام یک عمل است که در انگلیسی با قیدهایی مانند always, usually, often, sometimes, occasionally, seldom, rarely, never و فعل‌های زمان حال، گذشته (عادتی در گذشته) و ... بیان می‌شود.

- در جدول ۱ صفحه ۵۷، واژه «جایگزینی» معادلی برای substantif ترجمه شده است. این واژه در زبان‌شناسی «اسم» ترجمه می‌شود. این جدول نمونه‌های زبان‌شناختی (aspects) را مطرح می‌کند، بنابراین accompli نیز «در حال انجام شدن» ترجمه نمی‌شود و باید «نمود تمام» ترجمه شود. «برایندی (نتیجه‌ای)» نیز «نمود پایانی» ترجمه می‌شود. واژه «پذیرش عام» نیز به اشتباه ترجمه شده است. مطابق اثر اصلی صفحه ۵۳، acct. اختصاری accomplissement است و نه acception.

- صفحه ۷۰، خط ۶ واژه «مربی» نیاز به توضیح دارد. این واژه در واقع به معنای خودکنترلی است. مربی در زبان فارسی به فرد اطلاق می‌شود، حال اینکه منظور از واژه moniteur در نظریه کراشن به عنوان یکی از فرضیات مطرح شده در آموزش

شناخت‌گرا، استفاده از راهبردهای شناختی یا فراشناختی از طرف زبان‌آموز است که به وی کمک می‌کند زبان بینابین خود را رشد دهد. این فرضیه در فرانسه گاهی *théorie du contrôle* هم ترجمه می‌شود و واژه کنترل در اینجا نشان می‌دهد که ما الزاماً با حضور یک مربی مواجه نیستیم.

- صفحه ۸۴، خط ۱۴، «فعالیت‌های اجتماعی تکلیف‌گرا» معادلی برای *activités de communication réelle* در صفحه ۷۹ اثر اصلی در نظر گرفته شده است که باید ترجمه می‌شد، فعالیت‌های مبتنی بر ارتباط واقعی.

- صفحه ۱۰۱، عنوان «جنبه‌های عملی [کاربردی]» معادلی برای *aspects pragmatiques* بوده است که در واقع در اینجا منظور از *pragmatique* کاربردشناختی زبان است نه جنبه کاربردی زبان.

• یک‌دست نبودن اصطلاحات در ترجمه

- در صفحه ۴۴، خط آخر «دلالت یا مفهوم» معادلی برای *signification* ترجمه شده است. در صفحه بعد و قبل، «مفهوم» معادل *notion* قرار داده شده است. در صفحه ۴۵، خط ۲، «ارتباط بین یک دلالت (مفهوم) و یک مقوله دستوری» که معادلی برای جمله *le lien entre une notion et une catégorie grammaticale* است. در اینجا واژه *notion* «دلالت (مفهوم)» ترجمه شده است، در حالی که در صفحه پیش این واژه «مفهوم» ترجمه شده است. برای یک واژه، معادل واحدی در نظر گرفته نشده است و پراکنش نیز بی‌مورد استفاده شده است. علاوه بر اینکه با افزایش در ترجمه روبرو هستیم، عدم استفاده از یک معادل مشخص و واحد برای یک واژه، در نهایت خواننده را گمراه می‌کند.

- صفحه ۷۶، دو اصطلاح در خط ۲، «کنش‌های تعاملی اجتماعی» و خط ۷ «تعامل‌های اجتماعی» معادلی برای *interactions sociales* ترجمه شده‌اند که نیاز به یک‌دست‌سازی دارند. صفحه ۸۷، خط ۷ نیز «تعاملات (کنش متقابل)» معادلی برای *interactions* در نظر گرفته است.

- صفحه ۷۶، برای واژه فرانسه *écart d'information à combler*، واژه «تکمیل نمودن معلومات ناقص» و در صفحه ۹۰، واژه «تکمیل نمودن فاصله خبری [تفاوت اطلاعات دانش زبانی]» در نظر گرفته شده است.

- صفحه ۷۹، خط ۲۰، واژه «متن» معادلی برای *document* ترجمه شده است که در واقع همان منبع باید ترجمه می‌شد. واژه فرانسه *document authentique* در صفحه ۹۶، خط ۱۰، «اسناد [منابع] واقعی» و در صفحه ۱۰۶، خط آخر «منابع (متون) واقعی» ترجمه شده است. در این نمونه، علاوه بر استفاده نابجا از گروه و پرانتز، واژه یکسانی برای یک واژه واحد استفاده نشده است.

- در صفحه ۹۷، خط ۱۵، واژه «تعامل‌های [کنش‌های متقابل] کاملاً معنایی» معادلی برای *activités interactives significatives* در نظر گرفته شده است که در واقع باید فعالیت‌های تعاملی معنادار ترجمه می‌شد. صفحه ۱۰۴، عنوان قسمت ۳، «فعالیت‌های تعاملی مفهوم‌دار»، و در صفحه ۱۰۵، خط ۳، «فعالیت به شکل تعامل‌های مفهومی» معادلی برای *activités interactives signifiantes* ترجمه شده است. در صفحه ۱۱۹، خط ۸، برای *significatif*، واژه «با معنی و گویا» در نظر گرفته شده که می‌توانست معنادار ترجمه شود.

- صفحه ۱۰۳، خط ۱۹، «رشد محتوای آموزش» معادلی برای *progression du contenu à enseigner*، در خط ۲۰، «ارتقاء محتوای یک دوره» معادلی برای *progression du contenu d'un cours de langue* در خط ۲۲، واژه «ارتقاء خطی [پیشرفت تدریجی]» معادلی برای *progression linéaire* ترجمه شده است. اولاً، در اینجا واژه *progression* با توجه به بافت در نظر گرفته نشده است و در این صورت با واژه *développement* می‌تواند خلط شود. ثانیاً، با افزایش در ترجمه نیز به کمک گروه نیز مواجهیم. در هر سه مورد بهتر بود واژه پیشرفت استفاده می‌شد و برای مورد سوم بدون استفاده از گروه واژه پیشرفت خطی مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

• عدم استفاده از معادل‌های رایج برای یک واژه

- در صفحه ۲۱، خط ۳، «طرح مسائل زبان‌شناختی ارتباط کلامی» معادلی برای *la problématique des linguistiques de l'énonciation* بوده است که معادل

- مناسبی به نظر نمی‌رسد. بهتر بود مسائل مربوط به زبان‌شناسی‌های گفته‌پردازی ترجمه می‌شد و در مورد زبان‌شناسی گفته‌پردازی نیز توضیح مختصری آورده می‌شد.
- در صفحه ۴۰ واژه «زبان‌شناسی اصالت عمل» معادلی برای pragmatique linguistique ترجمه شده است. این واژه غالباً «کاربردشناسی زبان» ترجمه می‌شود. بهتر بود واژه فرانسه نیز در پاورقی ارائه می‌شد.
 - کتاب سیرل (Searle) «اعمال گفتار» و در صفحه ۴۸، اصطلاح actes de parole «اعمال گفتاری» ترجمه شده است. این معادل‌ها دقیق به نظر نمی‌رسد، بهتر بود از معادل‌هایی مانند کنش‌های گفتاری یا کنش‌های کلامی استفاده می‌شد.
 - در صفحه ۱۱۹، «راحت بودن در بیان زبان خارجی» معادلی برای être à l'aise ترجمه شده است که می‌توانست به صورت روان بودن در کلام و یا روان بودن در صحبت کردن ترجمه شود.

✓ علاوه بر دسته‌بندی فوق، دو نکته زیر را نیز می‌توان در نظر گرفت:

- با توجه به اینکه ترجمه اثر در سال ۲۰۰۹ صورت گرفته است، رویکرد کنشی در سال‌های ۱۹۹۰ و چارچوب اروپایی CECR در سال ۲۰۰۰ به وجود آمده‌اند، بهتر بود ترجمه دقیق‌تری از واژه tâche به عنوان یکی از کلیدواژه‌های این رویکرد ارائه می‌شد.
- به عنوان نکته آخر می‌توان افزود که در اثر ترجمه شده، واژه‌نامه‌ای برای اصطلاحات تخصصی ارائه نشده است.

ج. انسجام صوری و محتوایی در کل اثر و درون هر یک از بخش‌های آن

✓ در مورد انسجام صوری و محتوایی در کل اثر می‌توان به نکاتی در فهرست مطالب اشاره کرد:

- در فهرست مطالب، فصل ششم تحت عنوان «بازبینی انتقادی [برخی از صاحب‌نظران] نسبت به ...» ترجمه شده است. در اثر اصلی این فصل LA REVUE CRITIQUE DES PRINCIPES DE BASE نامیده شده است که باید ترجمه می‌شد، بازبینی انتقادی اصول بنیادی. علامت سه‌نقطه به منزله این است که مطالب قسمت الف، ب و پ دنباله این جمله خواهند بود، در صورتی که چنین نیست. بنابراین،

ترجمه معادلی برای عنوان فصل در اثر اصلی نیست و در واقع خواننده با خواندن این قسمت از ترجمه و مقایسه آن با قسمت‌های ب و پ احساس می‌کند میان این عنوان و سایر عنوان‌های فصل انسجام صوری وجود ندارد.

- در همین فصل، قسمت پ، «رابطه بین زبان و ارتباط» ترجمه شده است. در واقع با توجه به اینکه تنها یک رابطه بین زبان و ارتباط نمی‌تواند وجود داشته باشد و در این خصوص، دیدگاه‌ها متعدد هستند؛ نیز با استناد به اثر اصلی، واژه «رابطه» باید به *روابط* تغییر کند.

- در فهرست مطالب فصل ششم، قسمت ۲، «زبان برای برقراری ارتباط است یا برقراری ارتباط نیازمند شناخت زبان؟» ترجمه شده است. با توجه به اینکه معمولاً عنوان و زیرعنوان‌ها در فصول به صورت جمله کامل نمی‌آید، این زیرعنوان به نظر طولانی می‌رسد. با مراجعه به اثر اصلی در می‌یابیم این ترجمه مطابق با عنوان موجود در اثر اصلی نیست و با افزایش در ترجمه مواجه هستیم: *une langue pour communiquer ou la communication au moyen de la langue?* در این بخش منظور نویسنده، استفاده از زبان به عنوان یک هدف و یا به عنوان یک ابزار مورد توجه است، زیرا در روش‌های پیش از رویکرد ارتباطی در واقع، زبان هدف بود، اما با پیدایش رویکرد ارتباطی، هدف اصلی یادگیری زبان، برقراری ارتباط است. در رویکرد ارتباطی زبان یکی از وسیله‌ها برای رسیدن به هدف برقراری ارتباط تلقی می‌شود. بنابراین بهتر بود عنوان به صورت «زبانی برای برقراری ارتباط یا برقراری ارتباط به وسیله زبان» ترجمه می‌شد. واژه‌های «به‌منظور» و «به‌وسیله» هدف و وسیله را به ذهن متبادر می‌سازد.

✓ در مورد انسجام درونی اثر نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- صفحه ۲۴، دارای سه قسمت است. در قسمت‌های دوم و سوم، پراگماتیکی در تکمیل مطالب آورده شده است، اما در قسمت اول پراگماتیکی وجود ندارد. برای یکدست بودن مطالب، پراگماتیک (عامل درونی به لحاظ کاربردی) لازم است. این پراگماتیک در اثر اصلی صفحه ۱۹ وجود دارد (*facteur interne, plan pratique*). این ایراد ناشی از ترجمه اثر است، زیرا پراگماتیک اول ترجمه نشده است.

- صفحات ۲۹ و ۳۰، مثال‌هایی از نقش‌های زبان در گفتمان کودک نوزده ماهه ارائه شده است که منطق واحدی را دنبال نمی‌کنند. برای مثالی از نقش ابزاری افعال «می‌خواهم»، «نمی‌خواهم» در پرانتز آورده شده است. در نقش سازمان‌دهی در پرانتز مثال «آنچه را من به تو می‌گویم انجام بده» آورده شده است. باید گفت این جمله به سختی می‌تواند توسط یک خردسال نوزده ماهه تولید شده باشد. برای نقش تعاملی در پرانتز آمده است «من و تو/ شما» که این مثال به صورت جمله نیست و تک کلمه است. در مورد نقش شخصی مثال و توضیحی آورده نشده است. برای نقش اکتشافی توضیح ذیل ارائه شده است: (کشف دنیای اطراف و دنیای درون). با مراجعه به اثر اصلی صفحه ۲۶، باید گفت این پرانتز توسط مترجم افزوده شده است. برای نقش‌های تخیلی و اطلاع‌رسانی مثال یا توضیحی در پرانتز ارائه نشده است. مجموعه این نکات باعث می‌شود در این قسمت انسجام درونی محتوا خدشه‌دار به نظر برسد.
- در صفحه ۵۰ به نظر می‌رسد دو نقش زبانی و مفاهیم آنها مشابه باشند: «اجازه گرفتن» و «طلب اجازه برای مرخص شدن». اما در واقع با مراجعه به اثر اصلی در صفحه ۴۶ مشخص می‌شود که عنوان «طلب اجازه» باید درخواست معاف شدن/از کاری ترجمه می‌شد (demander dispense). در این صورت جملات ارائه شده در این بافت معنادارتر به نظر می‌رسند.
- بین صفحات ۵۶ و ۵۸ یک جدول آمده است. بنابراین جمله ابتدای صفحه ۵۸ به نظر ناقص می‌آید، زیرا ادامه جمله صفحه ۵۶ بوده است. بهتر بود این جمله به گونه دیگری ترجمه می‌شد تا ناقص به نظر نرسد یا جای جدول صفحه ۵۷ تغییر می‌یافت.
- در صفحه ۷۸، خط ۲ بیان شده در فصول گذشته به بحث زبان و فرهنگ اشاره‌ای شده است، در حالیکه در این کتاب از فرهنگ به صورت خاص صحبتی به میان نیامده است.
- در صفحه ۱۱۱، خط ۲۴، «خلاف واقع عده‌ای تصور می‌کنند که می‌توان زبان را از جنبه‌های ارتباطی‌اش جدا نمود». این جمله بدون ارتباط با بخش‌های پیشین و پسین و به ناقص به نظر می‌رسد. با مراجعه به اثر اصلی صفحه ۱۰۸، متوجه می‌شویم، «خلاف واقع» به اشتباه ترجمه‌ای برای en effet در نظر گرفته شده است و باید «در واقع» ترجمه می‌شد تا جمله انسجام خود را از دست ندهد.

د. شیوه مستندسازی

در این قسمت به بحث چگونگی استفاده از منابع درون متن و کتابنامه می‌پردازیم که می‌تواند موارد زیر را در برگیرد:

• بهره‌گیری کافی از منابع معتبر و جدید

سال انتشار اثر همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد، ۱۹۹۳ است. کتاب‌شناسی اثر غنی است، زیرا نویسنده دوزبانه است و با توجه به تسلط به هر دو زبان، از منابع انگلیسی و فرانسه استفاده کرده است. ژرمن در اثر حاضر به طور کلی از ۱۴۱ منبع (۷۶ منبع فرانسه و ۶۵ منبع انگلیسی) بهره برده است. تعداد منابع انگلیسی به کار رفته در اثر قابل‌ملاحظه است و همین نکته می‌تواند کتاب را به منبعی قابل استفاده برای دانشجویان غیر زبان فرانسه تبدیل کند. نکته مهم دیگر پیرامون جدید بودن منابع این است که از میان کل منابع، ۲۴ منبع به سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳، یعنی دو سال قبل از انتشار ویراست دوم اثر اصلی مربوط است. این امر مبین این است که نویسنده به استفاده از منابع جدید در همان دوره اهتمام ورزیده است.

• دقت در ارجاعات

با مراجعه به برخی آثار ذکر شده در اثر اصلی در می‌یابیم نویسنده در ذکر ارجاعات بسیار دقیق بوده است: مطلب ارائه شده در صفحه ۸۸ «مثالها از سی کورل، ۱۹۸۸ گرفته شده است»، بیانگر دقت نویسنده در ذکر ارجاعات است؛ به این معنی که حتی زمانی که تنها مثالی از یک نویسنده آورده شده و مابقی توضیحات از نویسنده اثر اصلی بوده، بیان شده است.

با این حال، نکات زیر در مورد ارجاع به صاحب‌نظران یک حوزه خاص قابل تأمل است:

- مترجم محترم در مقدمه، جمله‌ای از کلود ژرمن آورده است که منبع آن موجود نیست. در واقع این جمله، جمله اول پیشگفتار نویسنده اصلی است که در صفحه بعد از این مطلب، خواننده مجدداً با آن مواجه می‌شود.
- صفحه ۶۳، قسمت ۱، تحت عنوان «شرایط یادگیری» بسیار مختصر و بدون ارجاع به صاحب‌نظران این حوزه است.

- در صفحه ۶۹، بند آخر نیز آمده است: «بعضی‌ها معتقدند هیچ خطایی نباید اصطلاح شود». که نویسنده کتاب اصلی به هیچ متخصصی در این حوزه ارجاع نداده است.

- در صفحه ۱۱۲، اصطلاح «بعد مضاعف انطباقی زبان» اصطلاحی عاریتی است که بین گیومه قرار گرفته، اما هیچ منبعی برای این اصطلاح ذکر نشده است.

• شیوه صحیح ارجاع‌دهی، نقل‌قول و منبع‌نویسی

شیوه ارجاع‌دهی درون متن در اثر اصلی و ترجمه متفاوت است و هیچ‌یک بر اساس شیوه‌های رایج نیست. در اثر اصلی به عنوان مثال در صفحه ۵ خط آخر به صورت ذیل است (Sterne 1981 : 141)، یعنی نام‌خانوادگی نویسنده، سال اثر، دو نقطه و سپس صفحه. بین نام‌خانوادگی نویسنده و سال باید ویرگول قرار می‌گرفت. در ترجمه نیز به عنوان مثال در صفحه ۹ اثر ترجمه شده آمده است (برومفیت، ۱۹۸۷، ص ۳)، یعنی نام نویسنده و سال انتشار با ویرگول از هم جدا شده است. سپس علامت «ص» به معنی صفحه آمده است.

در بخش منابع صفحه ۱۲۵، در ترجمه و در اثر اصلی صفحه ۱۲۲، BONGE آمده است که باید به BANGE تبدیل و بر حسب الفبا نیز مرتب شود. در صفحه ۱۲۵ اثر اصلی، نام JAKOBOVITS به ترتیب الفبایی نیست و بین حرف H و J آمده است، اما در ترجمه این ایراد برطرف شده است.

ابعاد تحلیلی اثر

به طور کلی تحلیل‌های نویسنده بی‌طرفانه و دقیق است. اما در مواردی با تحلیل‌های ناکافی مواجهیم. در صفحه ۳۹ بیان شده است: «وی ترجیح می‌دهد به منظور مشخص نمودن هر یک از جنبه‌های توانش برقراری ارتباط، به جای واژه «توانش» واژه «مؤلفه» را به کار برد». اما در مورد علت این ترجیح هیچ صحبتی به میان نیامده است. با توجه به اینکه با اصطلاح‌شناسی متفاوتی مواجه هستیم، بهتر بود توضیح یا تحلیلی برای کاربرد این دو اصطلاح ارائه می‌شد.

در صفحه ۶۵، بحث زبان بینابین و ریشه خطاها به میان آمده است. هر چند این بحث جزء مباحث اصلی کتاب نیست، اما با این حال مطالب در این قسمت بسیار ناقص و خلاصه مطرح شده است و هیچ منبعی برای مطالعه بیشتر معرفی نشده است. در این مورد می‌توان رجوع کرد به اثر زیر:

Vogel, K. (1995). *L'interlangue la langue de l'apprenant*. Traduit de l'allemand par Jean-Sébastien Roux et Patrick Bonin. Toulouse : Presses Universitaires du Mirail.

در صفحه ۶۶ و ۶۷ از پدیده فسیل‌شدگی صحبت شده است. در این مورد تنها مثال کارگران مهاجر بیان شده است. با این مثال، فسیل‌شدگی به عنوان پدیده اجتماعی مطرح است، زیرا کارگران با میزان سطح آشنایی که از زبان دارند، می‌تواند در برقراری ارتباط تا حدی موفق باشند و دیگر تلاشی برای رشد زبان خود نمی‌کنند. این نوع فسیل‌شدگی زبانی در محیط اصلی زبان (endolingue) رخ می‌دهد، در حالی که این پدیده به وفور می‌تواند در یک محیط غیر از محیط اصلی زبان (exolingue) نیز رخ می‌دهد، در این صورت زبان‌آموز (در فرایند یادگیری خود) در یکی از مراحل رشد زبان بینابین بنا به دلایل گوناگون متوقف می‌شود یا دچار افول سطح زبانی می‌شود. از دیدگاه شناختی، عنصر اشتباه برای وی به صورت یک قاعده درست در حافظه درازمدتش شکل می‌گیرد. در این صورت نیز از فسیل‌شدگی صحبت می‌کنیم. از مجموع این توضیحات درمی‌یابیم که نویسنده به این جنبه از پدیده فسیل‌شدگی هیچ اشاره‌ای نکرده و تحلیل‌ها در این قسمت ناکافی است.

در صفحه ۶۶، از زبان بینابین نامبرده شده است. در این قسمت نیز تحلیل‌ها ناکافی است، زیرا نمس اصطلاح زبان بینابین را به کار نبرده است، او از نظام تقریبی système approximatif صحبت می‌کند و در واقع اصطلاح زبان بینابین توسط سلینکر ابداع نشده است، وی این اصطلاح را از John Reinecke به عاریت گرفته است. در این باره مراجعه شود به:

Dewaele, JM. (2003). *Compte rendu – hommage : l'oeuvre de L.*

Selinker. *Linx* [En ligne], 49 | 2003, mis en ligne le 18 mars 2011.

در یک مورد نیز اشتباه در ترجمه باعث شده تحلیل نویسنده کاملاً اشتباه به نظر برسد. در صفحه ۱۰۸، خط ۴ آمده است، «اگر مشکل دوپهلویی زبان (مواد زبانی- ارتباط زبانی) را با متوسل شدن به زبان اول حل کنیم، مدت زمان یادگیری زبان مقصد را کاهش خواهیم داد». این جمله در واقع به معنی این است که استفاده از زبان مادری در کلاس زبان خارجی باعث می‌شود، زبان‌آموزان زبان مقصد را زودتر یاد بگیرند. با مراجعه به اثر اصلی صفحه ۱۰۴، در می‌یابیم، نویسنده به هیچ وجه چنین ادعایی نداشته است. در واقع این جمله ترجمه نادرستی از جمله si

on résout le dilemme par le recours à la L1, on diminue le temps d'exposition à la langue cible است. در این بخش دو اشتباه از طرف مترجم رخ داده است، ابتدا ترجمه واژه dilemme به صورت «مشکل دوپهلو» که در واقع ما با مفهوم دوپهلویی مواجه نیستیم و این صفت مناسب نیست. و دوم اینکه با فراموش کردن ترجمه واژه exposition در جمله، به معنی در معرض زبان دوم بودن، معنای جمله و تحلیل نویسنده به کلی تغییر کرده است.

هر چند اثر اصلی مربوط به ۲۱ سال پیش است، با این حال اطلاعات ارائه شده در اثر دقیق و قابل ارجاع هستند؛ زیرا نویسنده تلاش کرده تحلیل دقیقی از رویکردهای موجود ارائه دهد. شایان ذکر است با توجه به سال انتشار اثر، به دلیل قدیمی بودن آن و پیشرفت حوزه نظریات در آموزش زبان، برخی از اطلاعات ارائه شده به روز نیستند. به عنوان مثال، در صفحه ۷۷، خط ۲۳ در مورد کاربرد تفکرات نوپیاژه‌ای آمده است: «در حال حاضر هیچ تلاشی را برای به‌کارگیری این نوع روان‌شناسی در حوزه فراگیری زبان خارجی مشاهده نمی‌کنیم». اولاً، منظور از تفکرات نوپیاژه‌ای به وضوح مشخص نیست. ثانیاً اگر منظور از این تفکرات، تفکراتی است که توسط روان‌شناسان دیگر مطرح شدند، می‌توان به نظریه برونر اشاره کرد که به Language Acquisition Support System مشهور است. این نظریه در آموزش زبان‌های دوم به کار رفته است که بر اساس نام همین نظریه Second Language Acquisition Support System نامیده شده است.

امروزه در آموزش زبان فرانسه رویکرد کنشی مطرح است. در اثر اصلی نیز نویسنده ۶ صفحه به مرحله گذار از رویکرد ارتباطی اختصاص داده است. بند آخر اثر، «با توجه به اینکه رویکرد ارتباطی نیز مرحله آزمایش خود را پشت سر گذاشته و جای خود را به رویکرد کنشی داده است» قابل استناد نیست. بهتر بود با توجه به سال ترجمه اثر، مترجم محترم توضیحاتی را در مورد رویکرد کنشی به این مطالب اضافه می‌کرد.